

جمعه 08 فبروری 2019

نویسنده: قباد

## افشای جاسوسی کرزی به «سیا» از زبان یک مهره مهم «آی.اس.آی»

منتشر شده در یکشنبه، 14 اسد 1397 - (سایت حزب همبستگی افغانستان)



چندی قبل تصادفاً به گفتگوی کرنل امام با خبرنگار مشهور پاکستانی افتخار احمد در **برنامه «جوابده»** تلویزیون «جیو» (سپتامبر ۲۰۰۹) برخوردم. کرنل امام در این مصاحبه در کنار شرح گوشه‌هایی از مزدوری غلامان جهادی - طالبی آی.اس.آی و نقش پاکستان در سازماندهی لشکر جهل و جنایت اخوان بخاطر اهداف شومش در افغانستان، افشا می‌کند که حامد کرزی نیز از همان اول مورد سوءظن آی.اس.آی قرار داشت و به او گفته شده بود که نباید به وی اجازه رفت و آمد به دفتر آی.اس.آی داده شود چون جاسوس سی.آی.ای می‌باشد.

سلطان امیر تارر مشهور به کرنل امام از فعال‌ترین و پرتجربه‌ترین افسران آی.اس.آی، استاد تمامی رهبران و قومندانان تنظیمی و پدر اصلی طالبان بود. وی در دفتر افغانستان آی.اس.آی نقش برجسته‌ای داشت؛ او گروه‌های جهادی را آموزش می‌داد و اکثر برنامه‌های خرابکارانه آنان در داخل افغانستان را تنظیم می‌کرد. وی در پیشبرد اهداف امریکا در جریان جنگ ضدروسی چنان

موفق بود که از یک سو روس‌ها جایزه دو صد میلیون افغانی برای سر او تعیین کرده بودند و از سوی دیگر با ختم جنگ سرد، جورج واکر بوش او را شخصا به قصر سفید دعوت کرد و پارچه‌ای از دیوار برلین را برایش تقدیم کرد. بعدا وظیفه ایجاد و رهبری طالبان به او و نصرالله بابر سپرده شد و مدتی منحیث قنصل پاکستان در هرات نیز ایفای وظیفه کرد.

کرنل امام بین رهبران و قومندان‌های مهم جهادی و طالبان محبوبیت فراوانی داشت و خود هم از عاشقان سینه‌چاک بنیادگرایان افغان به شمار می‌رفت. روزنامه «نیویارکتایمز» (۳ مارچ ۲۰۱۰) نوشت که کرنل امام در ۱۹۷۴ در امریکا بطور ویژه در زمینه ساخت مواد منفجره تعلیم دید و در ۱۹۷۸ به رهبران افغان چون گلبدین و احمدشاه مسعود آموزش نظامی داده منحیث افسر آی.اس.آی هزاران جنگجوی افغان را در جنگ چریکی علیه روس‌ها مورد حمایت قرار داد. در مصاحبه متذکره تلویزیون «جیو»، کرنل امام از دیدارهایش با حامدکرزی و پدر او احدکرزی یادآور شده می‌گوید:

**«... من آن وقت در کویته بودم و احدکرزی پدر حامد کرزی نفر اول حزبش بود و همراه مجددی کار می‌کرد.»**

کرزی از همان زمان توجه «سیا» را به خود جلب می‌نماید. کرنل امام در پاسخ به پرسش مجری که حامدکرزی مترجم شما بود یا شما مترجم حامدکرزی؟ می‌گوید:

**«...وقتی احدکرزی {به دفتر آی.اس.آی} می‌آمد حامدکرزی را نیز به عنوان مترجم با خود می‌آورد. او بهتر از امریکایی‌ها می‌توانست انگلیسی حرف بزند... وقتی {ملاقات} تمام می‌شد برایش می‌گفتم شما بروید و من با حامد صحبت می‌کنم.»**

کرنل امام شناختش از افغانستان را مرهون کرزی دانسته می‌افزاید:

**«...او بسیار مستعد بود. امروز اگر من بهتر از دیگران درباره افغانستان می‌دانم به کمک کرزی است... او به من بخش‌هایی از نقشه افغانستان را که کلمات پشتو رویش نوشته بود یاد داد... وقتی سناتوران، افراد کاتگرس و سایر امریکاییان به پاکستان می‌آمدند با حامد کرزی دیدار می‌کردند. او به امریکایی‌ها حرف‌های خوب و کلان می‌گفت و از آن‌ها پول می‌گرفت.»**

با آن که آی.اس.آی در بالاجیب سی. آی. ای جا داشت لیکن باز هم آی.اس.آی کرزی را مهره خطرناکتر تشخیص داده در مورد به کرنل امام هشدار می‌دهد:

«... یک و نیم سال بعد {از جانب آی.اس.آی} به من گفته شد که او {کرزی} جاسوس سی.آی.ای است و ورودش به دفتر شما باید ممنوع شود. آمدنش به دفتر من متوقف شد اما روابط ما مثل قبل ادامه یافت.»

گری شرون از ماموران ارشد «سیا» نیز در کتابش «ماموریت سقوط: چگونه سی.آی.ای عملیات براندازی طالبان را در افغانستان رهبری کرد؟» به قول یکی از کارمندان بلندپایه «سیا» در دهه ۸۰ میلادی بر چاکری کرزی و همجنسانش صحنه می‌گذارد:

«در اولین ملاقات با افرادی مانند کرزی و مسعود خلیلی، ما می‌دانستیم که اینان چهره‌های "مدرن" جامعه قبیله‌ای افغانستان اند و به جای جنگ با یک کلاشینکوف بر ضد روس‌ها در کوه‌های افغانستان، در راه منافع ما در کاخ‌های سیاست، بهتر و خوبتر خدمت خواهند کرد.»

حامد کرزی به مثابه یکی از چوچه‌های نازدانه «سیا» در حالی قیافه «ضد امریکایی» بخود می‌گیرد که بعد از تاج پوشی از سوی بادران امریکایی‌اش، کابینه‌ای از وفادارترین و خونریزترین مزدوران امریکا، ایران و پاکستان که همانا سرجلادان تنظیمی و تکنوکرات‌های خودفروخته بود، سر و سامان داده این خاینان و چپاولگران را چاق و چله ساخته بر ملت ما تحمیل نمود.

معمول است که در کشورهای مستعمره دست‌نشانندگان خاین بعد از اتمام ماموریت خدمت به اربابان خارجی شان از ترس محاکمه مردمی و یا برای رسیدن به دور جدید حاکمیت پرفساد و خونین گاهگاهی به روی صاحبان شان پریده و قیافه «ملی» و «مستقل» به خود می‌گیرند که در افغانستان به‌خون‌نشسته‌ی ما این نیرنگ بصورت مسخره‌تر و رسواتر باربار تکرار می‌شود. تاریخ به خاطر دارد که شاه‌شجاع («شاه فرنگی») و ببرک کارمل روسی نیز در پایان حیات ننگین سیاسی شان، علیه بادر سخنانی بر زبان راندند.

البته پایان کار اکثر مهره‌های استخباراتی هم عبرتناک است. ببینیم که سرنوشت نهایی شخص کرنل امام چگونه رقم خورد:



او که از نزدیک با ملا عمر و سایر رهبران طالبان کار کرده بود، بعد از تقاعد از ارتش پاکستان هم به حمایت طالبان ادامه داد تا اینکه در مارچ ۲۰۱۰ در حالیکه با یک خبرنگار انگلیس و یک افسر سابق آی.اس.آی به نام خالد خواجه به مناطق مرزی افغانستان رفته بود به وسیله طالبان پاکستانی اسیر گردید. مطبوعات پاکستانی تحت عنوان «پدروکیل توسط فرزندانش اسیر شد» خبر دستگیری او را انتشار دادند. خالد خواجه یک ماه بعد به قتل رسید اما **فلمی** از کرنل امام در ۲۳ جنوری ۲۰۱۱ در رسانه‌ها پخش شد که توسط طالبان وحشی‌ای که خود پرورش داده بود بصورت تحقیرآمیز در جایی آورده شده تیرباران می‌شود. او که کمتر حاضر به گفتگو با رسانه‌ها بود، در ۲۰۰۹ چندین مصاحبه انجام داده افشاگری‌هایی کرد که احتمالاً به همین دلیل آی.اس.آی بوسیله طالبان او را کشت.

اظهارات دیگر کرنل امام در مصاحبه یادشده نیز جالب اند که در مطلب دیگری به آن‌ها خواهیم پرداخت.

تبصره استقلال: حامد کرزی، درست مانند پدرش، نتنها جاسوس (سی آی ای) و ( آی اس آی) است، بلکه با سازمانهای استخباراتی ایران، روسیه و چین نیز ارتباطات گسترده دارد. این جاسوس چندجانبه هم اکنون که گویا از سوی (سیا) استفراغ شده است، مشغول گند خواری روسیه است و در افغانستان به منزله ستون پنجم عمل میکند.